

بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين إله خير ناصر و معين الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و علي و آلهما الطيبين الطاهرين و لعنة الله على أعدائهم أجمعين ابد الآبدین

سؤال: عمریان در کتابهای خودشان حدیثی را آورده و به ابن عباس نسبت داده اند که او گفته است: رسول خدا ﷺ وقتی (در هجرت) به مدینه رسیدند؛ روز عاشوراء بود و دیدند که یهودیان روزه اند؛ حضرت پرسیدند این (روزه گرفتن) برای چیست؟ گفتند: این روزی است که در آن خداوند فرعون را غرق فرمود و موسی ﷺ را نجات داد، پیامبر ﷺ فرمودند: من به موسی ﷺ سزاوارترم؛ سپس رسول الله ﷺ به روزه گرفتن این روز دستور فرمود. این حدیث را مهمترین کتابهای آنها (صحیح بخاری و صحیح مسلم) هم نقل کرده اند و آنرا صحیح دانسته اند، در مقابل آنهایی که عقیده شان بر خلاف اینها بوده؛ به تکذیب متن و سند آن پرداخته اند؛ می خواستم بدانم که آیا روزه گرفتن روز عاشورا حکمش چگونه است؟ و آیا روز ورود پیامبر ﷺ به مدینه عید است؛ و آیا روزه اش چه حکمی دارد.

جواب: با ملاحظه و تأمل در نکته های زیر؛ ان شاء الله پاسخ لازم را خواهید یافت:

۱- هر چند کتابهای عمریان و احادیث آنها مملوّ از کلمات مجعول و محرف می باشد؛ ولی گاهی احادیث صحیحی هم در آنها آمده است.

۲- در اینجا در مقام تصحیح و یا قبول احادیث مورد ادعای عمریان نیستیم، ولی بسیار می شود که با بذل تأمل لازم؛ مطلب چنان واضح می شود که نوبت به ردّ فکر محرف از طریق بیان اشکال در سند نمی رسد.

۳- در فهم و تبیین احادیث اگر صرفاً به بررسی قطعه ای اکتفا نشود؛ بلکه فضای آن کلام ابتدا مورد تفقه قرار گیرد؛ هم به مقصود آن بهتر نزدیک شده و هم نوبت نیازی به تردید یا انکار اصل آن کلام نمی رسد.

۴- شکی نیست که آنچه میان عمریان (در باب عید بودن روز عاشورای ماه محرم و اهمیت روزه آن) شایع است و به عنوان و نسبت دروغ به سنت پیامبر ﷺ بر آن ملتزمند؛ باطل محض بوده و صرفاً تحریفی است که ناشی از سیطره حکومت و فرهنگ ناصبیان و دشمنان پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ بر افکار عامه مسلمانان می باشد.

۵- حدیثی که ذکر کردید و از نظر مدرک و سند برای عمریان بسیار معتبر و مورد احترام است؛ حتی اگر مطابق عقیده آنها؛ ما هم فرض را بر صحت سند و نسبت آن بگذاریم و هیچ بررسی در راستگویی راویان و ناقلان آن نکنیم؛ و خلاصه راجع به شواهد مجعول یا محرف بودن آن هیچ صحبتی نکنیم؛ با همه اینها؛ اگر کمی تأمل در فضای آن بشود؛ و تنها نتیجه محاسبات تاریخی مذکور در آن را بدقت ملاحظه کنیم؛ بخوبی و وضوح می بینیم که عید بودن عاشورای محرم و فضیلت روزه آن اصلاً مفاد و ماحصل این کلام نبوده؛ و این نیست الا دروغی آشکار و جعل و خلطی پدیدار. بلکه خود این حدیث بهترین دلیل بر

بطلان عقیده و عادت عمریان در باب عاشورای محرم است؛ و بارزترین گواه بر نحوه تحریف رؤسای ایشان در عقاید و عادات مسلمین است، و شاهد و نمونه خوبی برای لزوم تفقه در شأن صدور احادیث و درک فضای آنها می باشد.

۶- اقتضای فقاقت این است که با دیدن عنوان و اصطلاحی (مانند عاشورا) آنرا فوراً بر ذهنیت رایج خودمان حمل و تفسیر نماییم، و باید بدانیم که در اصطلاح احادیث سه نوع عاشورا بکار برده شده است؛ یکی عاشورای یهود که مورد اشاره در همین داستان است؛ یکی عاشورای تاریخ نسیء که دهم محرم غیر واقعی و تغییر یافته بر حسب فصول سال می باشد که با مرور سالها موضع ماه نسیء از موضع حقیقتش تغییر می کرد، و این نوع تاریخ میان مشرکین متداول بوده و توسط اسلام منسوخ گردیده ولی تا سالهای بسیار پس از نسخ آن؛ باز در میان اعراب مطرح بوده است، و نوع سوم عاشورای محرم واقعی است، و با کمی تأمل بسیار واضح است که اصلاً عاشورای مورد اشاره در آن داستان؛ و منظور از تعبیر عاشورا در حدیث مذکور عاشورای محرم نبوده؛ بلکه همان عاشورای یهود می باشد.

۷- مناسب است بدانید که در تقویم یهودیان از گذشته تا به امروز ماههایشان قمری و سالشان شمسی است، ماه اول سال آنها ماه تیشری می باشد و اولین روز سال آنها اول تیشری است که تقریباً مصادف با اواسط برج سنبله و شهریور و اوایل سپتامبر مسیحی است، و روز دهم از اولین ماه سال یهودی عاشورای ایشان است، که آنرا یوم کیپور می نامند و روزه واجب و بزرگ و مهم یهودیان در این روز است، و این تنها روزه ای است که در زمان خود حضرت موسی عليه السلام می گویند بر ایشان تشریح شده است؛ و برای یهودی تارک آن؛ حکم قتل داده اند، و روزه های دیگرشان پس از حضرت موسی عليه السلام متداول شده و نزد ایشان مستحب است، و آنچه در کتابهای عمریان (بخاری و مسلم) از سیره یهودیان مبنی بر عید گرفتن یهود در عاشور نقل شده؛ منظور همین عاشورای یهود است.

۸- در باره تاریخ ورود حضرت پیامبر صلى الله عليه وآله به مدینه در هجرت مبارکشان؛ هر چند در تاریخ دقیقش اختلاف است؛ ولی همه مسلمانان اتفاق نظر دارند که در حدود ماه ربیع الأول بوده است، و این حدیث مورد بحث نیز صراحت دارد که: پیامبر صلى الله عليه وآله در هجرت که در ماه ربیع اول بود؛ وقتی وارد مدینه شدند؛ که یهودیان عاشورایشان بود و روزه گرفته بودند، پس اگر مراد از عاشورای مذکور در این حدیث عاشورای محرم بود؛ یعنی اینکه دهم محرم در ماه ربیع واقع شده است!!! و پر واضح است که حرف پوچ و نامعقولی است، و یا اینکه هجرت پیامبر صلى الله عليه وآله در ماه محرم واقع گردیده و این نیز نزد جمیع مسلمانان مردود است، و با توجه به این نکته می بینیم که منظور از لفظ عاشورا در این حدیث همان عاشورای یهود است.

۹- بنابر این مورد استحباب روزه (به فرض صحت اصل حدیث) روز عاشورای یهودیان بوده که اگر محاسبه دقیق بنماییم

عاشورای یهود (دهم تیشری) در تاریخ هجرت؛ مصادف با ۹ ربیع الأول سال اول هجری می باشد، بنابراین در صورت قبول این حدیث می فهمیم که پیامبر ﷺ روز ورودشان (۹ ربیع الأول) را که مصادف با دهم تیشری (عاشورای یهود) بود عید قرار دادند و این روز را روزه گرفتند.

۱۰- لذا مورد روزه این روز یا باید بر اساس تقویم یهود و در عاشورای یهودی باشد؛ که مصادف با برج سنبله و شهریور خورشیدی و سپتامبر مسیحی است؛ و یا بر اساس تقویم هجری قمری باشد که در ربیع الأول واقع می باشد؛ که طبیعتاً همین اخیر باید باشد؛ چون دستورات اسلامی بر اساس تقویم هجری قمری است نه تقویم یهودی، و این به هر حال دو ماه پس از عاشورای محرم است.

۱۱- و فضیلت روزه این روز؛ بخاطر ۹ ربیع الأول بودنش می باشد؛ و این چند جهت دارد: یکی: بخاطر ویژگی این تاریخ (۹ ربیع الأول) در مکتب وحی که به عید بزرگ محمد و آل محمد موسوم شده؛ و در محل خودش شرح فضایلش آمده است، و دوم: بخاطر اینکه روز ورود و تشریف فرمایی حضرت ﷺ و حضرت مولا ﷺ به مدینه منوره بوده؛ و سوم: بجهت شروع تاریخ دولت و جامعه اسلامی و توحیدی بدست پیامبر ﷺ در این روز می باشد.

۱۲- ناصبیان و دشمنان پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ پس از بار آوردن فجایع کربلا؛ عاشورای محرم را عید همیشگی خود قرار داده و جشن گرفتند؛ و دستور به برگزاری هر ساله جشن و عید و نیز روزه گرفتن دادند؛ بجهت شکرانه (نعوذ بالله) قتل حضرت امام حسین و خاندان و یاران ﷺ؛ و برای ترویج این تحریف و بدعت؛ جاعلان حدیث و ژاژگویی را بکار گرفتند، و تا به امروز این برنامه را برپا می دارند و این روز را روز عید و شادی و تبرک و تبریک و روزه می شمارند؛ و عبارات و تعابیر مربوط به عاشورای یهود را در عاشورای مسلمین بکار بردند. لعنهم الله تعالی.

۱۳- نکته قابل توجهه اینکه: (در صورت اطلاع از عقاید و شریعت یهود) می بینیم که دهم تیشری که عاشورای یهود است و روزه بزرگ ایشان می باشد؛ این روزه بجهت کفاره گوساله پرستی شان بر ایشان فرض شده است؛ که سالها پس از نجات از مصر بوده؛ و اما روز نجات از مصر که نزد ایشان عید بزرگ پسخ (فصح) نامیده می شود؛ و تاریخش اولین شب بدر بعد از اول بهار و نوروز است که در ماه نisan ایشان واقع است، و این روز با روز عاشورای یهود (دهم تیشری) حدود شش ماه فاصله دارد؛ لذا علت روزه بودن یهود در آن روز ورود پیامبر ﷺ به مدینه (۹ ربیع اول = ۱۰ تیشری) در حقیقت روزه کفاره گوساله پرستی شان بوده نه پیروزی بر فرعون و نجات از او.

۱۴- بنابر این روایت؛ آنچه یهود برخلاف واقع در جواب پیامبر ﷺ به عنوان دلیل روزه شان گفته اند (نجات از مصر)؛ از دو

حال خارج نیست: یا اینکه در واقع دروغی بوده است برای آبروداری خودشان؛ که خواسته اند بدین نحو نشانه گوساله پرستیشان را بپوشانند؛ و الا روز نجات از مصر که شش ماه حدوداً با این تاریخ فاصله دارد؛ و ربطی به تاریخ هجرت و ورود پیامبر ﷺ به مدینه ندارد. ولی این احتمال هر چند با روایات یهود منافاتی ندارد ولی از عملی بودن و نتیجه بخشی آن بعید است، چون هر دو روز (عاشورای یهود و عید پسخ) آنچنان بزرگ و معروف بوده که اطلاع از آن منحصر به یهود نبود و اطلاع مجاورانشان (عرب مدینه) از آن طبیعی بوده است، فلذا مشکل می شده است که آنرا بطور علنی و آشکار در حضور پیامبر ﷺ مخلوط یا جعل کنند. احتمال دیگر اینکه: این خود ناصیبان بوده اند که جعل و خلط کرده اند؛ و در حقیقت هنگام جعل و وضع یا به علت جهالتشان؛ بطور ناشیانه مرتکب مخلوط کردن مطالبی شده اند؛ و یا بخاطر جهالت اتباعشان که دیده اند متوجه این تحریف نمی شوند عمداً این خلط و جعل را کرده اند و این قول غلط در علت روزه بودن یهود را بطور حساب شده به یهود نسبت داده اند، چون از طرفی نمی توانسته اند ورود پیامبر ﷺ به مدینه و ۹ ربیع اول بودنش را انکار کنند و از طرفی عید بودن ۹ ربیع الأول را می خواسته اند بپوشانند؛ و همچنین مانع رواج عید شدن روز ورود پیامبر ﷺ به مدینه و تأسیس عیدی میان مسلمانان بشوند؛ و هم اینکه می خواسته اند روز جنایت بزرگشان در تاریخ (عاشورای محرم) را به عنوان عید معرفی کنند، لذا آمده اند داستان هجرت پیامبر ﷺ و ورودشان با حضرت مولا ﷺ به مدینه را که در ۹ ربیع اول بوده است را؛ با ذکر مصادف تاریخی آن نزد یهود یعنی ۱۰ تیشری؛ و تحریف دلیل روزه و عید بودنش را به روز نجات از مصر روز فصح که نزد یهود عید نجات از مصر بوده (و چون به عقیده نصاری و یهود مصلوب شدن مسیح هم در این تاریخ بوده؛ لذا پس از آن این روز را یهود عید دیگری هم تلقی کردند چون روز قتل ناسخ دین یهود بود؛ و نصاری عید دانستند که روز قربانی شدن مسیح بخاطر نجات بشریت می باشد)؛ لذا ناصیبان با مخلوط کردن این تواریخ و مناسبتها می توانستند که از پس زمینه های فکری این ایام نیز استفاده کنند؛ و بیشتر و عمیقتر بتوانند عید بودن عاشورای محرم را در میان مسلمانان جابباندازند؛ و همچنانکه روز پسخ (فصح) هم عید برای پیروان قاتل است هم عید برای پیروان مقتول؛ با خلط عاشورای یهود به عاشورای محرم بود؛ خواسته اند روز جنایت بزرگ تاریخ بشریت (عاشورای محرم) را در اذهان عامه مسلمین به صورت عید و روز مبارک و روز روزه گرفتن جا بیااندازند؛ خصوصاً که برای مسلمانان نوعاً ایام روزه مستحب با اعیاد تناسب دارد. لعنهم الله تعالی و اخزاهم.

۱۵- آنچه در روایت مذکور آمده بود که: پیامبر ﷺ فرمودند: من به موسی ﷺ سزاوارترم؛ پس رسول الله ﷺ به روزه گرفتن این روز دستور فرمود. دو وجه در معنای آن به نظر می رسد: یکی اینکه چون یهود سبب روزه گرفتنشان را روز

نجات حضرت موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام ذکر کردند؛ پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ با جمله: من سزاوارتم به موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام؛ خواسته باشند بفهمانند که من وارث حقیقی موسیٰ و در حقیقت موسای زمان هستم لذا اینکه من این روز را روزه بگیرم سزاوارتر است، یا اینکه منظورشان این بوده اگر روز نجات موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام از فرعونیان مصر جای عید بودن و روزه گرفتن دارد؛ پس امروز که روز ورودم به مدینه و استقبال مردم مدینه و اعلام التزام و پشتیبانیشان از من است، و با تحقق این مرحله است که من نجات از مشرکان مکه پیدا کرده ام، و چونکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ زمان هستم؛ من سزاوارترم از موسیٰ عَلَيْهِ السَّلَام به این تجلیل و بزرگداشت؛ لذا این روز را عید و روزه می گیریم. و در صورت صحت این روایت؛ نتیجه عملی هر دو وجه معنای آن یکی بوده که همان عید بودن و روزه داشتن روزه ورود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و حضرت مولا عَلَيْهِ السَّلَام به شهر مدینه است.

۱۶- نتیجه آنکه: روز عاشورای محرم روز عزای تمام پاک نهادان و پاک طینتان است؛ و روزه آن صحیح نیست؛ هر چند امساک از خوردن و نوشیدن در این روز تا پس از عصر؛ نوعی همراهی با حضرت ابا عبد الله الحسین عَلَيْهِ السَّلَام و اهل بیت و یارانشان بوده؛ و عملی بسیار پسندیده؛ و شرعا مستحب می باشد. اما روز ورود پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به مدینه و شروع تأسیس جامعه توحیدی؛ (چه اینکه در تاریخ ۹ ربیع الأول باشد؛ و یا در روزهای دیگر) قطعا از بزرگترین روزهای تاریخ اسلام بوده و عید می باشد؛ و روزه هم استحباب دارد. [شماره ثبت: (۱۱۶۶) منبع: المسائل المغربية]